

## نقش امام باقر (ع) و امام صادق (ع) در فرهنگ و تمدن اسلامی

ایوب طهمزی<sup>۱</sup>، عباس رهبری<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد، واحد خمین

<sup>۲</sup> عضو هیئت علمی، گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید مدرس کردستان

### چکیده

کم‌رنگ شدن فرهنگ و تمدن اسلامی و نیز وجود بدعت‌های دینی در عصر امویان و عباسیان، لزوم بازنگری در فرهنگ و تمدن اسلامی را لازم و فزونی بخشیده بود. مناسب‌ترین شرایط فرهنگی، عصر امام باقر (ع) و امام صادق (ع) بود که فرصتی مناسب برای احیا دوباره فرهنگ و تمدن اسلامی را فراهم آورد. امام باقر (ع) و سپس، فرزند گرامی ایشان امام صادق (ع)، از بسترها و زمینه‌های موجود عصر خویش بهره جسته و توانستند با انجام فعالیت‌های گسترده فرهنگی، فرهنگ و تمدن اسلامی را به نحو شایسته مدیریت نمایند. هدف مقاله حاضر، تبیین نقش امام باقر (ع) و امام صادق (ع) در فرهنگ و تمدن اسلامی است.

**واژه‌های کلیدی:** امام باقر (ع)، امام صادق (ع)، فرهنگ، تمدن اسلامی.

## ۱- مقدمه

امامان معصوم (ع)، پس از رحلت پیامبر اسلام که فرهنگ و تمدن اسلامی را پایه‌ریزی فرمود، در طول حیات پربرکت خویش و با توجه به مقتضیات زمانی موجود، در شکل‌گیری فرهنگ و تمدن اسلامی، نقش تأثیرگذاری ایفا نمودند. در این بین و در بین امامان معصوم (ع)، حضرت علی (ع)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع) و امام سجاد (ع)، بسترهای مناسب را فراهم کردند هرچند در این راستا با جهالت و ضلالت و جعل حدیث و دشمنی‌های آشکار و پنهانی مواجه بودند و موفق به تکوین فرهنگ و تمدن اسلامی آن‌چنان‌که باید و شاید، نشدند. امیرالمؤمنین (ع) که به تعبیر پیامبر (ص) باب مدینه علم بود، جاهلان مانع نشر علوم آن حضرت می‌شدند. امام حسن (ع)، امام حسین (ع) و امام سجاد (ع) نیز با خلفای ظالم و مکار مواجه بودند. قیام امام حسین (ع)، نهضت و جنبش فکری در جامعه ایجاد کرد و امام سجاد (ع) در قالب راز و نیاز و تعلیم آن به دیگران، این جنبش را فعال نموده و ادامه دادند. پس از ایشان، امام باقر (ع) و امام صادق (ع)، زمینه را برای رشد فرهنگ و تمدن اسلامی، مساعد دیده از این‌رو با شکافتن مسائل علمی و بحث از فنون مختلف، جویندگان و تشنگان حقیقی را سیراب نمودند. می‌توان گفت که بهترین موقعیت و شرایط یک نهضت و قیام بزرگ علمی در زمان امام باقر (ع) و سپس امام صادق (ع) به وقوع پیوست و این موقعیت باعث شد تا آن امامان بزرگوار، به نشر و اشاعه حقایق و معارف الهی پرداخته و مشکلات علمی را تشریح و جنبش علمی دامنه‌داری را به وجود آورده و مقدمات تأسیس یک دانشگاه بزرگ اسلامی را که در دوران امامت امام صادق (ع) به اوج رسید، پی‌ریزی کنند؛ بنابراین در این مقاله، سعی شده است تا حد امکان، به نقش امام باقر (ع) و امام صادق (ع) در فرهنگ و تمدن اسلامی پرداخته شود.

## ۲- شمه‌ای از زندگانی امام باقر (ع) و امام صادق (ع)

## ۱-۲ امام باقر (ع)

امام محمد بن علی (ع)، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی‌طالب (ع)، امام پنجم از ائمه اثناعشر و یکی از چهارده معصوم است. حضرت باقر (ع) از سوی پدر، نوه امام حسین (ع) و از سوی مادر، نوه امام حسن (ع) است. مادرشان فاطمه دختر امام حسن (ع) بود، از این‌رو در حق او گفته‌اند: علوی بود که از دو سوی علوی بود و فاطمی بود که از دو سوی فاطمی بود (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۰۸). همه منابع محل تولد آن حضرت را مدینه نوشته، ولی در سال ولادتشان اختلاف دارند. بیشتر منابع شیعی تولد آن حضرت را در ۵۷ هجری دانسته‌اند (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۶۹). امام باقر علیه‌السلام میانه‌بالا و گندمگون و لاغر میان بود. پوستی شاداب و نرم و مویی مجعد داشت. صدایش نیکو بود و بر گونه‌اش خالی دیده می‌شد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۱۰)، محمد بن منکدر ایشان را تنومند وصف کرده است (شیخ مفید، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۶۱). ابن سعد، نخست با نقل خبری از استاد خود و اقدی تاریخ رحلت آن حضرت را سال ۱۱۷ و مدت عمرشان را ۷۳ سال ذکر می‌کند، سپس می‌گوید که رحلت ایشان را در ۱۱۸ و ۱۱۴ هم دانسته‌اند (ابن سعد، بی تا، ج ۵، ص ۲۳۸) ابن اثیر نیز عمر حضرت باقر علیه‌السلام را ۷۳ سال ثبت کرده و ۵۸ سال را نیز نسبت داده است (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۱۸۰). اما پیش‌تر مورخان شیعی و سنی وفات آن حضرت را در ۱۱۴ و اکثر سیره نویسان شیعه عمر وی را ۵۷ سال دانسته‌اند (مجلسی، بی تا، ج ۴۶، ص ۲۱۲-۲۱۹).

امام باقر (ع) در علم، زهد، عظمت و فضیلت سرآمد همه بزرگان بنی‌هاشم عصر خویش بود و مقام بزرگ علمی و اخلاقی ایشان، مورد تصدیق دوست و دشمن بود. لقب آن حضرت «باقر» است که حضرت رسول اکرم (ص) به ایشان عطا فرمود و در مورد ایشان فرمودند: «یَبْقِرُ الْعِلْمَ بَقْرًا» (او می‌شکافد علم دین را شکافتنی) (مجلسی، بی تا، ج ۴۶، ص ۲۲۲) امام باقر (ع) در سخنان خود، اغلب به آیات قرآن مجید استناد نموده از کلام خدا شاهد می‌آورد و می‌فرمود: «هر مطلبی گفتم، از من پرسید که در کجای قرآن است تا آیه مربوط به آن موضوع را معرفی کنم» (طبرسی، ۱۴۱۷، ص ۱۷۶). جابر بن یزید جَعْفی که از موثقین روایان و اعظام ناقلین احادیث است می‌گوید: «عندی خمسون ألف حدیث، ما حدَّثتُ منها شیئاً، کَلَّها عن النبی (ص) من طریقِ أهل البيت (نزد من پنجاه هزار حدیث موجود است که من یکی از آن‌ها را هم بیان ننموده‌ام، همه آن احادیث از

پیغمبر اکرم (ص) است از طریق اهل بیت (ع)) و محمد بن مسلم هم از حضرت امام باقر سی هزار حدیث روایت کرده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۹۵). همچنین جُعی هر گاه می‌خواست سخنی در باب علم به میان آورد، می‌گفت: «جانشین خدا و میراث دار دانش پیامبران محمد بن علی برایم این‌گونه گفت» (شیخ مفید، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۶۰). ابواسحاق سبیبی از دیگر فرهیختگان این دوره، آن قدر نظرات علمی امام را درست می‌پندارد که وقتی از او در مورد مسئله‌ای می‌پرسند، پاسخ را از زبان امام می‌گوید و می‌افزاید: «او دانشمندی است که هرگز کسی بسان او ندیده‌ام» (شیخ مفید، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۶۱). عبدالله بن عطاء که یکی از شخصیت‌های برجسته و دانشمندان بزرگ عصر امام بود، می‌گوید: «من هرگز دانشمندان اسلام را در هیچ محفل و مجمعی به اندازه محفل محمد بن علی از نظر علمی حقیر و کوچک ندیدم. من «حکم بن عتیبه» را که در علم و فقه مشهور آفاق بود، دیدم که در خدمت محمد باقر مانند کودکی در برابر استاد عالی مقام، زانوی ادب بر زمین زده شیفته و مجذوب کلام و شخصیت او گردیده بود (مدیر شانه جی، ۱۳۶۲، ص ۶۷). ذهبی نیز درباره امام باقر (ع) می‌نویسد: از کسانی است که بین علم و عمل و آقایی و شرف و وثاقت و متانت جمع کرده و برای خلافت اهلیت داشت (ذهبی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۴۰۲).

## ۲-۲) امام صادق (ع)

جعفر بن محمد بن علی بن حسین (ع) ششمین امام شیعه و پنجمین امام از نسل امیرالمؤمنین (ع)، کنیه‌اش ابوعبدالله و لقب مشهورش «صادق» است و چون فقیهان و محدثان معاصر او که شیعه هم نبوده‌اند، حضرت را به درستی حدیث و راستگویی در نقل روایت ستوده‌اند، به لقب «صادق» شهرت یافته است (شهیدی، ۱۳۸۴، ص ۳). نام مادر او فاطمه یا قریبه و کنیه‌اش ام فروه بود (شهیدی، ۱۳۸۴، ص ۵). دوازده سال از عمر وی با جدش و ۱۹ سال نیز با پدرش همزمان بود و دوران امامتش ۳۴ سال بود (طبرسی، ۱۴۱۷، ص ۵۱۴).

## ۳- ویژگی‌های سیاسی - اجتماعی روزگار امام باقر (ع) و امام صادق (ع)

روزگار امام باقر (ع) بستری آماده برای نشر احکام دین و اسلام بود. این هنگام، برای امام باقر (ع) فرصتی شایسته بود تا چهره زیبای حقایق دینی را از پس پرده‌های اوهام و خرافات اموی بیرون آورد و به مردم نشان دهد زیرا در این روزگار، اندک گشایشی پدید آمد که عصر انتشار فقه آل محمد یا به تعبیر دیگر، روزگار تعلیم و تدریس فقه جعفری بود (شهیدی، ۱۳۸۴، ص ۶۰).

اما موقعیت سیاسی - اجتماعی امام صادق (ع) از میان ائمه علیهم السلام یک موقعیت کاملاً استثنایی بود؛ زیرا آن حضرت در مقطعی از زمان می‌زیسته که می‌توان آن را «دوران بحران قدرت سیاسی» نامید. این بحران خود زمینه مناسبی برای انجام کارهای علمی و فرهنگی ایجاد نمود. دوران امام صادق مصادف بود با ضعیف شدن و سپس درهم ریختن حکومت مروانیان و همچنانکه آزادی‌های سیاسی را فراهم آورد و در گوشه و کنار مقدمات قیام‌های دینی و دسته بندی علیه حاکمان آماده گردید، آزادی بحث‌های علمی را در شاخه‌های گوناگون نیز موجب شد (شهیدی، ۱۳۸۴، ص ۴۷). امام صادق (ع) حدود ۷ سال با حکام بنی‌امیه هم عصر بود که در این دوران آن‌ها با رقیبان سیاسی خود از بنی‌عباس در جنگ و ستیز نظامی به سر می‌بردند و فرصت کنترل اوضاع سیاسی و فرهنگی را نداشتند. گرچه بنی‌عباس در این مدت از درگیری نظامی با بنی‌امیه فارغ شده بودند، اما با قیام‌های پی‌درپی علویان مواجه بوده و بر اوضاع سیاسی به طور کامل مسلط نشده بودند، از این رو، پایه‌های حکومتشان سست و لرزان بوده و قدرت پرداختن به مسائل دیگر و کنترل اوضاع سیاسی را نداشتند. چنین موقعیتی برای حضرت امام صادق (ع) و شاگردان او زمینه نشر فرهنگ و معارف دینی را فراهم کرده بود (پیشوایی، ۱۳۷۵، صص ۳۸۲-۳۹۰).

## ۴- امام باقر (ع)، امام صادق (ع) و شیوه‌های علمی و عملی

همه مؤلفان چه شیعه و چه سنی سبب ملقب شدن امام باقر (ع) را به «باقر»، دانش فراوان او دانسته‌اند؛ و غالباً این نامگذاری را از پیامبر اکرم (ص) می‌دانند که جابر بن عبدالله انصاری از آن حضرت نقل کرده است (ابن قتیبه، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۱۲). ابن عماد، آن حضرت را از فقهای مدینه برشمرده که به سبب دانش فراوان و شناختن ریشه و درون آن، او را باقر خوانده‌اند (ابن عماد، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۴۹). ابن خلکان، صفدی و ذهبی نیز همین توضیح را آورده‌اند (ابن خلکان، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۳۱۴). محمد شهرستانی، صاحب کتاب الملل و النحل، از علمای بزرگ اهل سنت، وقتی به عظمت علمی امام صادق (ع) می‌رسد، درباره ایشان چنین می‌گوید: امام صادق (ع) دارای علمی جوشان و حکمت فراوان و زهد خالص بود... مدتی در مدینه ساکن بود و شیعه و دوستان خود را به افاده اسرار علوم، مشرف داشت. پس به عراق آمد و مدتی آن دیار را مخزن کمالات خود ساخت (شهرستانی، ۱۳۲۱، ج ۱، ص ۲۱۸).

در زیر به چند مورد از شیوه‌های علمی و عملی امام باقر (ع)، امام صادق (ع) می‌پردازیم:

## ۴-۱) حرکت بر اساس مقتضیات زمان

برای پرورش درست انسان‌ها، پیش از هر چیز باید با مقتضیات زمان آشنا بود و هم سو با مقتضیات زمان، برنامه ریزی کرد. امام باقر (ع) و سپس امام صادق (ع) نیز به خوبی از این نکته آگاه بودند. ایشان بر اساس شرایطی که در روزگارشان پدید آمده بود، شیوه پرورشی و آموزشی خود را کتاب و بیان و قلم قرار داده و از آنجا که اوضاع زمان خویش را به درستی، درک و شیوه پرورشی خود را هم سو با روزگار خویش، تنظیم کرده بودند، در کار خویش موفق شدند و میراث بزرگی از دانش و اخلاق را برای بشریت به یادگار گذاشتند (طوقوش، ۱۳۸۵، ص ۶۹). شهید مطهری در این باره می‌نویسد: آن هدفی که در دوره امام حسین (ع)، شمشیر انجام می‌داد، در دوره امام صادق (ع) درس، کتاب، بیان و قلم انجام می‌دهد. شرایط زمانی امام صادق (ع) با شرایط زمانی امام حسین (ع) دوتاست. در شرایط زمانی امام حسین فقط یک یزید قلدر در مقابل اسلام است. اسلام مسئله‌ای ندارد جز اینکه با این قلدر روبه روست، ولی در زمان امام صادق (ع) علاوه بر قلدرها که باید با آنها مبارزه کرد و مبارزه می‌کردند مهم‌تر از مبارزه با قلدرها، مبارزه با گروه‌های فکری انحرافی است (مطهری، ۱۳۶۷، صص ۱۹۱-۱۹۲). در آن جو، ملحدان، زندیق‌ها، ماتریالیست‌ها و مادیین به وجود آمدند، مکتب خودشان را تشکیل دادند و آزادانه به نشر عقاید خود می‌پرداختند. مسیحی‌ها آزادانه حرفشان را می‌زدند، صائبی‌ها عقاید خود را می‌گفتند، زردشتی‌ها و یهود نیز هر کدام، افکار عقاید خود را بازگو می‌کردند. حال در چنین زمانه‌ای، وظیفه، چه ایجاب می‌کند؟ آیا امام صادق (ع) می‌تواند بگوید من همان راهی را می‌روم که جدم حسین بن علی (ع) رفت؟ نه اگر امام حسین در زمان امام صادق بود همان را عملی می‌کرد، یعنی شیوه پرورش خود را نشر علم، بازگویی عقاید صحیح و پرورش شاگردان قرار می‌داد (مطهری، ۱۳۶۷، صص ۱۹۱-۱۹۲).

## ۴-۲) استفاده بهینه از فرصت‌ها

زمان امام باقر (ع)، یعنی دهه‌های آخر قرن اول و دهه‌های اول و دوم قرن دوم هجری، زمان ظهور فقهای بزرگ مخصوصاً در مدینه بود. در این دوران، مسلمانان که از فتوحات خارجی و جنگهای داخلی تا حدودی فراغت یافته بودند واز اطراف و اکناف سرزمین‌های اسلامی برای فراگرفتن احکام الهی و فقه اسلامی به مدینه، روی می‌نهادند. فقها و محدثان بزرگی از جمله سعید بن مسیب (م ۹۴)، عروه بن زبیر (م ۹۴)، خارجه بن زید بن ثابت (م ۹)، ربیعۃ الرأی (م ۱۳۶)، سفیان بن عیینه و محمد بن شهاب زهری (م ۱۲۴) در این شهر جمع بودند. بخصوص که منع کتابت حدیث در زمان عمر بن عبدالعزیز لغو شده بود (عسکری، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۴).

در این دوران شکوفایی فقه و حدیث بود که دانش و معرفت امام باقر (ع) و نیز فرزند او امام صادق علیه السلام، بر همگان آشکار شد و اصول و مبانی کلام و فقه و سایر معارف دینی شیعه که این دو امام بیش از همه مبتنی آن بودند، تدوین و توسط روایان و شاگردان ایشان به عالم پراکنده شد. بسیاری از مجتهدان و مؤسسان مذاهب فقهی دیگر از این دو امام فیض برده‌اند. نسایی از محدثان بزرگ اهل سنت آن حضرت را از «فقهای بزرگ تابعین» در مدینه شمرده است (ذهبی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۴۰۳) و به گفته او، همه حافظان حدیث در استناد و احتجاج به قول آن حضرت اتفاق دارند. ذهبی او را جامع مقام علم و عمل

و بزرگی و شایسته مقام خلافت دانسته است (ذهبی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۴۰۲). شیخ مفید در باره جایگاه علمی آن حضرت می‌نویسد که بازماندگان صحابه و بزرگان تابعان و رؤسای فقهای مسلمانان از آن حضرت در مسائل دینی روایت کرده‌اند. به نوشته او، امام اخبار پیشینیان و پیامبران را روایت می‌کرد. مردم از او در باب مغازی و سیرت و سنت رسول (ص) حدیث می‌آموختند و در مناسک حجّ که از پیامبر نقل می‌کرد، بر او اعتماد داشتند و از ایشان تفسیر قرآن برمی‌نوشتند (شیخ مفید، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۵۷). از عبدالله بن عطاء مکی نقل شده است که دانشمندان را در هیچ مجلسی کوچکتر از آن ندیده‌ام که در محضر ابوجعفر دیده‌ام؛ حکم بن عتیبه (از فقهای بزرگ کوفه، متوفی ۱۱۵) (ذهبی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۲۰۸-۲۱۳) را در پیشگاه او به سان شاگردی نزد استاد دیدم (شیخ مفید، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۰۶). در زمان حضرت امام صادق (ع)، پایه‌های حکومت امویان، در اثر قیام‌های هواداران آل علی و آل عباس، در سراسر بلاد اسلامی، سست گردید و سرانجام این حکومت در سال ۱۳۲ ساقط شد و عباسیان بر مسند خلافت نشستند. در این میان، زمینه مساعدی برای نشر حقایق اسلامی فراهم آمد و امام صادق (ع) توانست هزاران تن از مسلمانان مستعد را با روح تعلیمات اسلامی آشنا کند و معلومات دینی وسیعی (در الهیات، فقه، حقوق، سیاست، اخلاق و...) در اختیار جامعه اسلامی، به ویژه طرف داران آل علی (ع) قرار بدهد (حکیمی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۰).

#### ۳-۴) پرورش شاگردان و دانشمندان اسلامی

گزینش و پرورش گروهی از دانشمندان اسلامی بر مبنای دیدگاه‌های امام باقر (ع) و گسیل کردن آنان به شهرهای بزرگ اسلامی به منظور ارائه درست نظریات آن حضرت و در نتیجه خنثی کردن تبلیغات دراز مدت امویان در معرفی اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و نیز نفی گرایش‌های غلو آمیز برخی از پیروان اهل بیت، برخورد صریح و قاطع با غالیان و اظهار بی‌زاری از سران آنان، از جمله مغیره بن سعید و بیان بن سمعان جزو اقدامات مهم ایشان به شمار می‌رود (کشی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۲۳-۲۲۸). همچنین، شاگردان امام صادق (ع) را تا چهارهزار تن نوشته‌اند و مقصود کسانی هستند که در مدت افاضه امام از او علم فراگرفته‌اند نه اینکه همه آنها هر روز در محضر او حاضر شوند. شهیدی به نقل از کتاب کشف الغمه می‌نویسد شماری از تابعین از او روایت کرده‌اند که از جمله آنان: یحیی بن سعید انصاری، ایوب سختیانی، ابان بن تغلب، ابوعمر بن العلاء و یزید بن عبدالله است و از ائمه، مالک بن انس، شعبه بن الحجاج، سفیان ثوری، ابن جریج، عبد الله بن عمرو، روح بن قاسم، سفیان بن عیینه، سلیمان بن بلال، اسماعیل بن جعفر، حاتم بن اسماعیل، عبدالعزیز بن مختار، وهب بن خالد و ابراهیم بن طهمان اند که از او روایت دارند. جابر بن حیان کوفی را نیز از شاگردان امام صادق (ع) شمرده‌اند (شهیدی، ۱۳۶۲، ص ۶۵).

#### ۴-۴) امام باقر (ع) و امام صادق (ع) و پرورش شاگردان ویژه

از معروف‌ترین یاران و شاگردان امام باقر (ع)، علاوه بر جابر بن یزید و ابان بن تغلب، می‌توان از کسانی چون ابوحمزه ثمالی، حمران بن اعین، محمد بن مسلم ثقفی، زراره بن اعین، معروف بن خربوذ، بُرید العجلی، ابوبصیر اسدی و فضیل بن یسار نیز نام برد. به ابوحمزه ثمالی کتاب‌هایی در حدیث و تفسیر نسبت داده شده و گروهی از بزرگان اهل سنت از او اخذ حدیث کرده‌اند. جابر بن یزید که به گفته خود فقط ۷۰،۰۰۰ حدیث از امام باقر (ع) فرا گرفته بود (مجلسی، بی‌تا، ج ۴۶، ص ۳۴۰). از آن حضرت غالباً با عنوان «وصی الاوصیاء و وارث علم الانبیاء» یاد می‌کرد (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۳۷).

اما شاگردان امام صادق (ع)، فراوان بودند و هر کدام به اندازه گنجایش خویش، از دانش و معنویت حضرت بهره بردند. در این میان، آن حضرت شاگردان ویژه‌ای نیز داشته است که آنان را برای رسالت‌هایی مهم‌تر پرورش داده بود. در واقع، این شاگردان، در میان دیگر شاگردان حضرت، شاخص بودند و هنگام اختلاف آرا در میان آنها و دیگر شاگردان، نظر آنها حجت و مقدم بود. دانشمندان از هیچ یک از اهل بیت رسول خدا به مقدار آنچه از امام صادق روایت دارند نقل نکرده‌اند و هیچ یک از آنان شاگردانی به اندازه شاگردان او نداشته‌اند و روایات هیچ یک از آنان برابر با روایت‌های رسیده از او نیست. اصحاب حدیث نام روایان از او را ۴۰۰۰ تن نوشته‌اند (شهیدی، ۱۳۶۲، ص ۶۱).

امام صادق (ع) در باره شاگردان خاص خود می‌فرماید: «جز زراره و ابوبصیر لیث مرادی و محمد بن مسلم و برید بن معاویه عجلی، کسی ولایت ما و احادیث پدرم را زنده نکرد. اگر اینها نبودند، کسی از ما و احادیث ما اطلاع پیدا نمی‌کرد.» در میان این

افراد، کسانی بودند که امام صادق (ع) آن‌ها را به عنوان مرجع برای شیعیان خود معرفی می‌فرمود، به طوری که در جواب یکی از شیعیان خود که از آن حضرت می‌پرسد: «هنگامی که برای ما سؤالی پیش آمد، به چه کسی مراجعه کنیم؟ می‌فرماید: به سراغ ابوبصیر برو (جعفریان، ۱۳۶۹، صص ۲۳۳-۲۳۴)».

۴-۵) امام باقر (ع) و امام صادق (ع) و فراهم آوردن فضای آزاداندیشی آزادی، برترین سازوکار فعال کردن همه توانایی‌ها و ظرفیت‌های انسانی است. هیچ کس نمی‌تواند در جامعه محروم از آزادی خدمت کند، توانایی‌هایش را پویا و موهبت‌های الهی را بالنده سازد (صدر، ۱۳۸۴، ص ۲۴).

حضرت امام باقر (ع) و همچنین امام صادق (ع) برای دستیابی به هدف‌ها و نیز اجرای مقاصد دیگری که بر خود فرض می‌دید، گذشته از برپایی حلقه‌های متعدد درس عمومی و خصوصی، به مناظره با دانشمندان برجسته شهرهای اسلامی و پیشوایان فکری فِرَق مهم آن روزگار و عالمان سایر ادیان و برخی مدعیان راهبری معنوی مردم عنایت خاصی داشت. هم‌چنین از مراسم حجّ برای گفتگو با مسلمانان مناطق مختلف اسلامی بهره فراوان می‌بردند (مجلسی، بی‌تا، ج ۴۶، صص ۲۳۳-۲۸۶).

۴-۶) تشویق شاعران متعهد

شعری که از ارزش هنری شایسته‌ای برخوردار باشد، می‌تواند به فرهنگ و مذهب نیز خدمت کند. امام باقر (ع) در مورد شعر به شاعران احترام قائل بودند طوری که شاعرانی چون کَمِیْت را که با سرودن اشعار در نشر افکار شیعه تلاش می‌کردند، تشویق می‌کرد (کشی، ۱۴۰۴، ج ۱، صص ۲۰۷-۲۰۸).

در خبری آمده است که مردم دیدند که کُشْتِرِزه سواره و امام باقر (ع) پیاده می‌رفتند. به کُشْتِر اعتراض شد. او گفت: امام به من چنین دستور داده. من سواره باشم و مطیع او بهتر است که عاصی بر او باشم و پیاده (طوقش، ۱۳۸۵، ص ۱۹۹).

امام صادق (ع) نیز به این امر مهم توجه داشت. آن امام بزرگوار و رهبر بیدار، شاعران حق گو و مبارز را که در برابر دستگاه‌های ستم و دربارهای جور می‌ایستادند و جنایات آنان را نکوهش می‌کردند و شعر خویش را در اجتماع می‌پراکنده‌اند، همواره تشویق کرد و آنان را گرامی می‌داشت و جامعه را نیز به بزرگداشت آنان فرامی‌خواند (حکیمی، ۱۳۷۷، صص ۱۳۶-۱۳۷).

## ۵- تبیین تفسیر، حدیث و کلام

مختصر فعالیت‌های علمی امام باقر (ع) و امام صادق (ع)، به شرح زیر است:

۵-۱) تفسیر

از جمله تلاش‌های ارزنده علمی امام باقر (ع)، تبیین مسائل کلامی و معارف دینی بود، زیرا در زمان آن حضرت، بحث‌های کلامی خوارج، رواج یافته بود و امام (ع) با شرح بسیاری از خطبه‌های حضرت علی (ع) در زمینه‌های توحید و صفات الهی، به بسط معارف اسلامی می‌پرداخت. علاوه بر آن، ایشان با جمع آوری احادیث ثقه، به دنبال آن بودند که روش فهم احادیث را در متن، به صحابه و دیگر دانشمندان عصر بیاموزند (رفیعی و آقایی، ۱۳۷۹، ص ۲۳).

امام باقر (ع) بخشی از وقت خود را به بیان مباحث تفسیری اختصاص داده بود که برگزاری جلسات تفسیر و پاسخ به سؤالات و شبهات دانشمندان و سایر مردم از جمله آنهاست. گفته می‌شود امام باقر (ع) کتابی در تفسیر قرآن نوشته است که محمد بن اسحاق ندیم در کتاب الفهرست، از آن نام برده است (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۵۹).

امام باقر (ع)، معرفت و شناخت قرآن را منحصر در اهل بیت می‌دانست. چرا که آنان هستند که می‌توانند محکمت قرآن را از متشابهات و ناسخ و منسوخ تشخیص دهند و چنین عملی در نزد هیچ کس غیر از اهل بیت وجود ندارد به همین دلیل است که ایشان فرموده‌اند: هیچ چیزی به اندازه تفسیر قرآن از عقل مردمان دور نیست. چرا که یک آیه که کلامی متصل است اول آن درباره یک مسئله و آخر آن درباره مسئله دیگر و این کلام متصل به چند وجه برگشت داده می‌شود (گروه مولفان، ۱۳۸۵، ص ۳۲۰).

روزگار امام صادق (ع) نیز با رونق یافتن بحث و گفت و گو درباره مسائل کلامی و اصول اعتقادی همزمان بود. ابوزهره می‌گوید: «علمای اسلام با تمام اختلاف نظرها و تعدد مشرب‌هایشان، در فردی غیر از امام صادق (ع) و علم او اتفاق نظر ندارند (جعفریان، ۱۳۶۹، ص ۳۳۰)».

۵-۲) حدیث

پس از رحلت پیامبر (ص) نوشتن حدیث ممنوع شد به طوری که مدت‌ها مردم از نوشتن آن کراهت داشتند، حتی برخی از محدثین اهل سنت در قرن سوم نیز از نوشتن حدیث خودداری می‌کردند (دارمی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۱۹-۱۲۰؛ ذهبی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۸۲، ۴۴۱-۴۶۱) در برابر این روش، اهل بیت عصمت از اول، اصحاب خود را به نوشتن احادیث و حفظ آن، تشویق می‌فرمودند (ابن سعد، بی تا، ج ۶، ص ۱۶۸).

امام باقر (ع) به شکلی خاص به احادیث رسول اکرم (ص) اهمیت می‌داد، حضرت تنها به نقل حدیث و انتشار آن اکتفا نکرده، بلکه اصحاب خود را به همت گماشتن در فهم حدیث و آشنایی پیدا کردن با معانی آن فرا می‌خواند. ایشان در جمله‌ای فرمود: مراتب شیعیان ما را با میزان روایت کردن آنان از احادیث اهل بیت و معرفتشان به آن احادیث بشناسید و معرفت، همان شناخت روایت و درایه الحدیث است و با درایت و فهم روایت است که مؤمن به بالاترین درجات ایمان می‌رسد (قرشی، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۰-۱۴۱).

امام صادق (ع) نیز طبق روش پدران خود بر این امر تأکید می‌ورزید. در زمان آن حضرت گرچه افرادی شروع به جمع‌آوری احادیث و نوشتن آن نمودند، اما هنوز بسیاری در این امر دچار شک و تردید بودند، ابوزهره ضمن نقل این که امام صادق (ع) طرفدار کتابت حدیث بود ادعا کرده است که این امر در آن زمان شایع بوده چنانکه مالک بن انس جامع حدیثی خود بنام «الموطأ» را در آن روزگار تألیف کرد (ابوزهره، ۱۹۵۹، ص ۹۵).

۵-۳) کلام

در زمان امام باقر (ع) با توجه به فرصت ایجاد شده و کمتر شدن فشار و کنترل از سوی حاکمیت، زمینه برای ظهور و بروز عقاید و افکار مختلف به وجود آمد که خود این باعث ایجاد و رواج افکار انحرافی در جامعه شد، در این شرایط امام می‌بایست ضمن بیان عقاید اصیل و صحیح شیعی و رد عقاید باطل، شبهات مربوطه را پاسخ دهد. لذا امام بحث‌های کلامی خود را ناظر به این امور مطرح می‌کرد. از جمله این مباحث می‌توان به عاجز بودن عقل انسان از درک حقیقت خداوند، ازلی بودن واجب الوجود و وجوب اطاعت امام (ع) اشاره کرد (قرشی، بی تا، ج ۱، ص ۱۸۵). میراث دیگری نیز از امام به یادگار مانده است که میراث فقهی و میراث تاریخی از آن جمله است (گروه مولفان، ۱۳۸۵، صص ۳۳۰-۳۳۴). به هر حال باید گفت که امام از فرصت پیش آمده به نیکوترین وجه استفاده کرد و کوشید تا جامعه را تحت تأثیر دانش بیکران خود قرار دهد و رسالت انسان سازی خود را تداوم بخشد و در حقیقت به عنوان متبخرترین و فاضل‌ترین مردم زمان خود در آمد.

## ۶- تأسیس فرهنگ مکتوب

«مهم‌ترین حرکت امام باقر (ع) در این عصر، تأسیس فرهنگ مکتوبی است که جلوه‌های آن در دانشگاه امام صادق (ع) و آثار علمی متعدّد بعداً «نمودار شد. این تعبیر که رسانه‌ای شدن مفاهیم منجر به مهاجرت آن می‌شود، می‌تواند در توضیح حرکت امام باقر (ع) و تلاش ایشان برای ایجاد فرهنگ مکتوب و استفاده از کتاب که امروزه به عنوان یک رسانه نیز تلقی می‌شود، کارساز افتد. توصیه امام صادق (ع) نیز به شاگردان در مکتوب کردن، یکی از شیوه‌های مانایی علوم و در امان ماندن آن از گزند فراموشی و نابودی بوده است. با مکتوب کردن علوم، شخص از دانش و یافته‌های علمی‌اش - بر اثر فراموشی و مانند آن - محروم نمی‌شود و نسل‌های بعد از دانش مکتوب بهره مند می‌شوند. امام صادق (ع) فرمود: هر آنچه می‌دانی، بنویس و آن را در بین برادرانت منتشر کن و موقعی که می‌میری، کتاب‌هایت را برای فرزندان به ارث بگذار (جعفریان، ۱۳۶۹، صص ۳۵۷-۳۵۸)». ایشان با تشویق شاگردان خویش به کتابت، سبب شد چهارصد کتاب و رساله در دوره‌های درس او تألیف شود. همچنین حضرت درباره حفظ کتاب‌ها و راه اندازی کتاب‌خانه‌ها، بسیار تأکید می‌فرمود. همه اینها سبب شد تا به وسیله امام

جعفر صادق علیه السلام که بزرگ‌ترین دانشگاه زمان خود را تأسیس کرده بود، مهم‌ترین میراث فرهنگی در تاریخ اسلام محفوظ بماند و به دست آیندگان برسد (حکیمی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۵).

#### ۷- بسترسازی پژوهش‌های علمی

در همین زمینه می‌توان به حرکت پرشور قرن‌های دوم و سوم اسلامی اشاره کرد که به قول شهید مطهری تا قرن هفتم ادامه داشت. این دوران شکوه مند اسلامی که به «نهضت ترجمه» مشهور شد، چیزی نبود جز گردآوری دانشمندان مختلف از اقصی نقاط جهان با فرهنگ و اعتقادات مختلف در کنار هم به دنبال افزایش قلمرو و تقویت بنیه‌های علمی، پایه‌های رشد نهضت ترجمه نیز فراهم شد. به نحوی که دانشمندان از همه نقاط جهان اسلام، اعم از: علمای صابئی، نصرانی، یهودی، مسلمان و زرتشتی گرد هم آمدند و بعدها نظامیه بغداد را با هزاران جلد کتاب، مرکز دانش اندوزی خود قرار دادند (مطهری، ۱۳۶۷، صص ۶۲-۶۳).

#### ۸- افزایش قلمرو علم و دانش

تا قبل از امام باقر (ع) حوزه علم، در نظام خلفای بنی امیه تا اندازه زیادی وابسته به دربار بود. نباید فراموش کرد که خلفای بنی امیه سعی داشتند نهضت علم گرایی را در قالب علوم حکومتی بدون پرداختن به مسائل مردم، عمده کرده و نخبگان عصر را در آن چارچوب هدایت کنند (گروه مولفان، ۱۳۸۵، ص ۶۵).

#### ۹- رشد وبالندگی فرهنگ اسلامی

با این که آغاز امامت حضرت باقر (ع) با خلافت ولید بن عبدالملک (م ۹۶) همراه بود و در شرایط نامساعد اجتماعی قرار داشت، اما توانست نهضتی علمی را پایه گذاری کند که تا آن زمان در اسلام بی سابقه بود. در آن دورانی که معارف پر ارج اسلام به دلیل ممنوعیت نشر احادیث می‌رفت که کم کم به دست فراموشی سپرده شود (قیومی اصفهانی، ۱۳۸۱، ص ۱۰). امام باقر (ع) با دوراندیشی و تحمل مشکلات بسیار و با جنبش علمی دامنه داری که پدید آورد، توانست مقدمات تأسیس یک دانشگاه بزرگ اسلامی را پی‌ریزی نماید و معارف والای اسلام را به سراسر جامعه اسلامی برساند. امام با این اقدامات، یک نوع خیزش علمی و فرهنگی را در جهان اسلام شروع کرد که بستر یک نهضت فرهنگی بنیادین شد و ثمرات شکوهمند آن، در دوره‌های بعدی به خوبی نمایان شد. از این‌رو، دوران امام باقر (ع) و امام صادق (ع) را دوران طلایی شکوفایی فرهنگ اسلامی گفته‌اند.

#### ۱۰- نهضت علمی در عصر امام باقر (ع) و امام صادق (ع)

سال‌های ۹۴ تا ۱۱۴ ق زمان پیدایش مسلک‌های فقهی و اوج‌گیری نقل حدیث درباره تفسیر بود و این به دلیل ضعیف شدن دولت بنی امیه و درگیری میان سران دولت برای در اختیار گرفتن قدرت بود. از علمای اهل سنت کسانی مانند ابن شهاب زهری، مکحول، هشام بن عروه و... در زمینه نقل حدیث و فتوا دادن فعالیت می‌کردند و افراد دیگری در ترویج عقاید خود تلاش می‌کردند مانند خوارج، مرجئه، کیسانیه و غالیان (طقوش، ۱۳۸۵، ص ۱۹۴).

امام باقر (ع) در این دوره، جنبش علمی وسیعی را به وجود آورد که در دوره امامت فرزندش امام صادق (ع) به اوج خود رسید. روایات و احادیث وی در زمینه علم دین، آثار و سنت نبوی، علوم قرآن، سیره و فنون اخلاق و آداب بدان حد است که تا آن روز از هیچ یک از فرزندان امام حسن (ع) و امام حسین (ع) به جا نمانده بود (شیخ مفید، ۱۳۸۰، ص ۵۰۷). با ظهور امام باقر (ع) قدم مهمی در فقه برداشته شد و یک جنبش فرهنگی تحسین‌برانگیزی به وجود آمد. در این عصر بود که شیعه تدوین فرهنگ خود - شامل فقه و تفسیر و اخلاق- را آغاز کرد (نک: جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ۲۹۵). امام باقر (ع) استدلال‌های اصحاب قیاس را به تندی رد کرد (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۸، ص ۳۹) و در برابر سایر فرق اسلامی منحرف نیز



موضع تندی اتخاذ کرده و با این برخورد کوشید محدود اعتقادی صحیح اهل بیت را در زمینه‌های مختلف از سایر فرق، مشخص و جدا کنند. وی درباره خوارج فرمود: خوارج از روی جهالت عرصه را بر خود تنگ گرفته‌اند، دین ملایم‌تر و قابل انعطاف‌تر از آن است که آنان می‌شناسند (کشی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۴۱). شهرت علمی امام باقر (ع) نه تنها در حجاز، بلکه حتی در عراق و خراسان نیز به طور گسترده فراگیر شده بود، چنان‌که راوی می‌گوید: دیدم که مردم خراسان دورش حلقه زده و اشکالات علمی خود را از او می‌پرسند (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۲۶۶؛ مجلسی، بی‌تا، ج ۴۶، ص ۳۵۷).

اما در خصوص امام صادق (ع) باید گفت که ایشان در تاریخ اسلام، بیش از دیگر پیشوایان در آموختن علوم و معارف اسلامی و تربیت فرهنگی مسلمین توفیق یافت. آن حضرت، به دستور خلیفه عباسی (منصور دوانیقی) از مدینه به کوفه منتقل و در آنجا زندانی شد، اما در همان فرصت چند ساله تا آنجا که ممکن بود، به نشر تعالیم تربیت اجتماع پرداخت و حقوق و الهیات و اخلاق اسلامی را به صورتی منسجم تعلیم داد. بر اساس همین سابقه بود که فقه شیعی را «فقه جعفری» و مذهب شیعه دوازده امامی را «مذهب جعفری» نامیدند (حکیمی، ۱۳۷۷، صص ۱۲۹-۱۳۰). با وجود این، تعلیمات امام صادق (ع) منحصر به علوم الهی نبود. در قلمروی گسترده آموزه‌ها و درس‌های امام، علوم طبیعی و تجربی نیز سهم به‌سزایی داشت. اینکه امام صادق (ع) را پدر شیمی خوانده‌اند، درست است. یکی از بزرگ‌ترین شیمی دانان تاریخ؛ یعنی جابر بن حیان، شاگرد خاص امام جعفر صادق (ع) بود (حکیمی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۰).

شهید مطهری درباره چهره علمی امام صادق (ع) بر این باور بود: اگرچه برای امام صادق (ع) زمینه زعامت فراهم نشد، ولی یک زمینه دیگر فراهم شد و حضرت از آن زمینه استفاده کرد، به طوری که تحقیقاً می‌توان گفت، حرکت‌های علمی دنیای اسلام اعم از شیعه و سنی، مربوط به امام صادق علیه السلام است. حوزه‌های شیعه که خیلی واضح است، حوزه‌های سنی هم مولود امام صادق است، به جهت اینکه رأس و رئیس حوزه‌های سنی، «جامع ازهر» است که از هزار سال پیش تشکیل شده و جامع ازهر را هم شیعیان فاطمی تشکیل دادند و تمام حوزه‌های دیگر اهل تسنن، منشعب از جامع ازهر است و همه اینها مولود همین استفاده‌ای است که امام صادق علیه السلام از وضع زمان خودش کرده است (مطهری، ۱۳۶۷، ص ۱۶۳).

#### ۱۱- امام باقر (ع) و امام صادق (ع) احیاگران فرهنگ و تمدن اسلامی

هر چند سیاست جلوگیری از تدوین احادیث نبوی (ص) با شعار «کافی بودن قرآن» پیش می‌رفت، اما از عمل به قرآن خبری نبود و فقط از آن به صورت ابزاری برای جلوگیری از نشر معارف اهل بیت علیهم السلام و زنده شدن نام آنها استفاده می‌شد. کتاب خدا به ابزاری برای دست یابی به اغراض سیاسی و سرکوبی پیروان اهل بیت علیهم السلام با تأویل و تفسیر به رأی، به ابزار سرکوبی مخالفین تبدیل شده و در واقع، قرآن در انزوای شدید بود.

امام باقر (ع) در جایگاه بهترین مفسر قرآن با بازگو کردن تفسیر درست آیات، بسیاری از ابهام‌ها را زدود و مشت مخالفین و سودجویان را باز کرد. او همواره برای به اثبات رسانیدن مدعاهای خود از آیات قرآن بهره می‌جست و کلام خدا را گواه بر سخن خویش می‌گرفت و می‌فرمود: «هر چه را می‌گویم از من سؤال کنید در کجای قرآن آمده تا آیه مربوط به آن را برایتان تلاوت نمایم (طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۶۹)». امام به اندازه‌ای بر آیات قرآن تسلط داشت که «مالک بن اعین جهنی» شاعر هم عصر امام درباره او سرود: «اگر مردم در صدد جست و جوی علوم قرآن بر آیند، باید بدانند که قریش بهترین دانای آن را دارد و اگر امام باقر (ع) در علوم قرآنی لب به سخن گشاید، فروع زیادی برای آن ترسیم خواهد نمود... (ابن عنبه، ۱۳۶۲، ص ۱۹۵؛ شیخ مفید، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۲۶)».

امام صادق (ع) نیز در ادامه کار پدر بزرگوارشان، احیاگر فرهنگ اسلامی محسوب می‌شود. لذا فرهنگ اسلامی، مرهون تلاش‌های امام باقر (ع) و امام صادق (ع) است که با نشر و بسط معارف اسلامی، پایه‌های فرهنگ اسلام ناب محمدی (ص) را استحکام بخشیدند و با پروراندن شاگردان ویژه و زبده در سراسر عالم، فرهنگ اصیل اسلام را منتشر ساختند. مالک بن انس از شاگردان معروف امام صادق (ع) می‌گوید: «ما رأی عین ولا سمعت أذن ولا خطر علی قلب بشر فضل من جعفر الصادق (ع) فضلاً وعلماً وعبادۀ وورعاً (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ص ۲۶۹)».

## ۱۲- نتیجه گیری

آگاهی از معارف دینی و علوم بشری در راستای هدایت تشریحی، احیاء تفکر اسلامی و فرهنگ غنی اسلامی به منظور اداره امور مسلمین در ابعاد فردی و اجتماعی، لازمه امامت است. حضور علمی امامان باقر و صادق (ع) در عصر خود و بی نقص بودن نظریات ایشان و آشکار نمودن علوم خود، حاکی از آن است که سایر امامان به اندازه ایشان فرصت و موقعیت مناسب پیدا نکردند تا فرهنگ و تمدن ناب اسلام را تبیین نمایند. بی شک اقدامات علمی امام صادق (ع) در حیات ارزشمندش مرهون وضعیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی منحصر به فرد آن عصر و اقدامات امام محمد باقر (ع) در راستای اعتلای فرهنگی و تمدنی و زمینه ساز برای تأسیس دانشگاه بزرگ جعفری است. به گواهی مورخان و محققان اسلامی حضرت امام باقر علیه السلام در شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی در آن مقطع حساس تاریخ اسلام نقش مهمی داشته است.

می توان گفت تحول علمی و فضای باز سیاسی، پیش از دوران امام صادق (ع)، یعنی از دوران زندگانی پدر بزرگوارش حضرت امام باقر (ع) آغاز شد و در دوران زندگی امام صادق (ع) این تحول شگرف علمی و فرهنگی تداوم یافت. حرکت علمی امام صادق (ع) در عصر جنبش فکری و فرهنگی مسلمانان شکل گرفت. در این زمان عطش شدیدی از سوی مسلمین برای یادگیری و علم آموزی مشاهده می شد و علت آن علاوه بر تعالیم متعالی اسلام درباره علم آموزی، حضور تازه مسلمانانی بود که دارای سابقه ای درخشان و تمدنی کهن و پر بار بودند؛ لذا امام صادق (ع) با توجه به شرایط و وجود بستر مناسب فکری و فرهنگی و آمادگی جو غالب جامعه که در تداوم حرکت عظیم علمی و فرهنگی حضرت باقر العلوم (ع) بود و دانشگاه بزرگ جعفری را تأسیس کرد.

پس از امام باقر (ع) با پیگیری های مداوم فرزند بزرگوارش، یگانه دوران، امام جعفر صادق (ع) راه و روش علمی - کلامی آن امام گرامی به ثمر نشست و حاصل آن، پایه گذاری مکتب علمی - کلامی تشیع شد. بیش تر فعالیت ها و بیانات اعتقادی امام باقر علیه السلام پیرامون دو اصل توحید و امامت دور می زد، زیرا این دو اصل بیش تر معرکه آرا بود.

در بررسی علل شکوفایی علم کلام در زمان امام صادق (ع)، به یک عامل مهم و مؤثر دیگر نیز در این زمینه بر می خوریم که ما از آن به عنوان «عامل پیشینی» یاد می کنیم؛ و آن: «نقش امام محمد باقر (ع)» در پویایی علم کلام است.

حضرت امام صادق (ع) در این دوره در محیط مدینه که محل ظهور تابعین و محدثان و راویان و فقهای بزرگ بوده، بزرگ شد، اما منبع علم او در فقه نه «تابعیان» و نه «محدثان» و نه «فقها» ی آن عصر بودند بلکه او تنها از یک طریق که اعلاء و اوثق طرق بود نقل می کرد و آن همان از طریق پدرش امام محمد باقر (ع) و او از پدرش علی بن الحسین (ع) و او از پدرش حسین بن علی (ع) و او از پدرش علی بن ابیطالب (ع) و او هم از حضرت رسول (ص) بود و این ائمه بزرگوار در مواردی که روایتی از آباء طاهرین خود نداشته باشند خود منبع فیاض مستقیم احکام الهی هستند. در نیمه اول قرن دوم هجری فقهای طراز اولی مانند ابوحنیفه و امام مالک بن انس و ... محدثان بزرگی مانند سفیان شوری و شعبه بن الحجاج و سلیمان بن مهران اعمش ظهور کردند. در این دوره است که فقه اسلامی به معنی امروزی آن تولد یافته و روبه رشد نهاده است؛ و نیز آن دوره عصر شکوفایی حدیث و ظهور مسائل و مباحث کلامی مهم در بصره و کوفه بوده است.

## منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین علی. (۱۳۷۱). *الکامل فی التاریخ*. (ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، مترجمان). تهران، ایران: موسسه مطبوعاتی علمی.
۲. پیشوایی، مهدی. (۱۳۷۵). *سیره پیشوایان*. قم: موسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق (ع).
۳. جعفریان، رسول. (۱۳۶۹). *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (علیهم السلام)*. تهران، ایران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۴. حکیمی، محمدرضا. (۱۳۷۷). *بعثت، غدیر، عاشورا، مهدی*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۵. رفیعی، جواد؛ و آقایی، محمدرضا. (۱۳۷۹). *آموزه‌هایی از نهج البلاغه*. تهران: نشر معارف.
۶. شهیدی، سید جعفر. (۱۳۶۲). *آشنایی با زندگی امام صادق سلام‌الله‌علیه*. تهران، ایران: جامعه الامام الصادق سلام‌الله‌علیه.
۷. شهیدی، سید جعفر. (۱۳۸۴). *زندگانی امام صادق جعفر بن محمد(ع)*. تهران، ایران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۸. شیخ مفید، محمد بن محمد نعمان. (۱۳۸۰). *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*. (محمد باقر ساعدی، مترجم، محمد باقر بهبودی، مصحح). تهران، ایران: اسلامیه.
۹. صدر، موسی. (۱۳۸۴). *ادیان در خدمت انسان*. تهران: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
۱۰. طقوش، محمد بن جریر. (۱۳۸۵). *دولت عباسیان*. (حجت الله جودکی، مترجم). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۱. قیومی اصفهانی، جواد. (۱۳۸۱). *صحیفه امام باقر(ع)*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. گروه مولفان. (۱۳۸۵). *پیشوایان هدایت (حضرت امام محمد باقر(ع))*. قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع).
۱۳. مدیر شانه جی، کاظم. (۱۳۶۲). *علم الحدیث و درایه الحدیث*. قم: انتشارات اسلامی.
۱۴. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۷). *سیری در سیره ائمه اطهار(ع)*. قم: انتشارات صدرا.
۱۵. ابن خلکان، احمد بن محمد. (۱۳۶۴). *وفیات الأعیان و أنباء أبناء الزمان*. (احسان عباس، محقق). قم - ایران: الشریف الرضی.
۱۶. ابن سعد، محمد. (بی تا). *الطبقات الكبرى*. (عبدالقادر عطا، محقق). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۷. ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۷۹). *مناقب آل ابی طالب*. قم - ایران: علامه.
۱۸. ابن عماد، عبد الحی بن احمد. (۱۴۰۶). *شذرات الذهب فی أخبار من ذهب*. (محمود ارناووط و عبدالقادر ارناووط، محققین). بیروت - لبنان: دار ابن کثیر.
۱۹. ابن عنبئه، احمد بن علی. (۱۳۶۲). *عمده الطالب فی أنساب آل ابی طالب*. (محمد حسن آل طالقانی، مصحح) (ج ۱). قم - ایران: الشریف الرضی.
۲۰. ابن ندیم، محمد بن اسحاق. (بی تا). *الفهرست لابن الندیم*. بیروت - لبنان: دار المعرفه.
۲۱. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم. (۱۴۱۸). *عیون الأخبار*. (یوسف علی طویل، محقق) (ج ۱-۴). بیروت - لبنان: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۲۲. ابوزهره، محمد. (۱۹۵۹). *الامام الصادق*. مصر: مطبعه احمدعلی مخیمر.
۲۳. اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱). *کشف الغمه*. تبریز: مکتبه بنی هاشمی.
۲۴. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴). *وسائل الشیعه*. قم - ایران: نشر آل البیت.
۲۵. دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن. (۱۴۲۰). *سنن الدارمی*. بیروت - لبنان: دار الفکر.
۲۶. ذهبی، محمد بن احمد. (۱۴۱۴). *سیر اعلام النبلاء*. (جمعی از محققین و شعیب ارناووط، محققین). بیروت - لبنان: موسسه الرساله.
۲۷. شهرستانی، عبدالکریم. (۱۳۲۱). *الملل و النحل*. (محمد بن فتح الله بدران، محقق). قم - ایران: منشورات شریف رضی.
۲۸. طبرسی، فضل بن الحسن. (۱۴۱۷). *اعلام الوری باعلام الهدی*. قم - ایران: موسسه آل البیت (ع)، الاحیاء التراث.
۲۹. عسکری، مرتضی. (بی تا). *معالم المدرستین* (ج ۱-۳). تهران - ایران: موسسه البعثة، مرکز الطباعة و النشر.
۳۰. قرشی، باقر شریف. (بی تا). *حیة الإمام محمد الباقر علیه السلام، دراسه و تحلیل* (ج ۱-۲). بیروت - لبنان: دار البلاغه.
۳۱. کشی، محمد بن عمر. (۱۴۰۴). *اختیار معرفه الرجال*. (محمد بن حسن طوسی، مهدی رجایی، مصحح، محمدباقر بن محمد میرداماد، محقق). قم - ایران: موسسه آل البیت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
۳۲. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۳۸۸). *اصول الکافی*. قم - ایران: موسسه دارالحدیث العلمیه و الثقافیه، مرکز للطباعة و النشر.

۳۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (بی تا). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)*. (محمدباقر محمودی، ابراهیم میانجی، محمدتقی مصباح یزدی، محمدکاظم میاموی، محمدباقر بهبودی، محمد مهدی خراسان، ... یحیی عابدی زنجانی، مصححین، عبدالزهراء علوی، محقق). بیروت - لبنان: دار احیاء التراث العربی.

# The role of Imam Baqir (AS) and Imam Sadiq (as) in Islamic Culture and Civilization

Ayoub Tahmzai<sup>1</sup>, Abbas Rahbari<sup>2</sup>

<sup>1</sup> Ph.D. student of the history and civilization of Islamic nations, Azad University, Khomein Branch

<sup>2</sup> Faculty Member, Islamic Education Department, Farhangian University, Shahid Modarres Campus

---

## Abstract

Fading of Islamic culture and civilization and the existence of religious innovations at the age of Omavian and Abasian had increased and made necessary the need to review Islamic culture and civilization. In order to do so, the most appropriate situation was the age of Imam Bagher (A.S.) and Imam Sadegh (A.S.) to provide appropriate opportunities to revive Islamic culture and civilization. Imam Bagher (A.S.) and then his dear son, Imam Sadegh took advantage from the contexts and the grounds present at their ages and were able to properly manage the Islamic culture and civilization by extensive cultural activities. The purpose of the present study was to explicate the role of Imam Bagher and Imam Sadegh in the Islamic culture and civilization.

**Keywords:** Imam Bagher (A.S.), Imam Sadegh (A.S.), culture, Islamic civilization

---